



۲۰۱۹۱



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد تاریخ

موضوع

طاهریان در تاریخ ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر ابوالفضل نبئی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر حسین الهی

نگارش:

سید حسن قریشی کرین
3346

سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵

۲۵۱۹۱

تقدیم به

پیشگاه هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

و هدیه به

پدر و مادر مهربانم

و همسر گرامیم

و فرزندان عزیزم سیده فاطمه و سید حسین

فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

بخش اول: اوضاع خراسان در دو قرن اول هجری

- فصل اول: اداره امور خراسان بعد از تسلط اعراب ۹
- فصل دوم: خاندانهای ایرانی که با اعراب همکاری کردند ۲۶
- فصل سوم: خاندان طاهری در دستگاه حاکمه خراسان ۴۱

بخش دوم: طاهر بن حسین (ذوالیمینین)

- فصل اول: نقش طاهر در اوضاع سیاسی خراسان ۲۷
- فصل دوم: نقش طاهر در واقعه امین و مأمون ۵۳
- فصل سوم: امارت طاهر در خراسان ۷۱
- فصل چهارم: مشی سیاسی طاهر ۹۱

بخش سوم: جانشینان طاهر

- فصل اول: طلحه بن طاهر ۹۹
- فصل دوم: عبدا... بن طاهر ۱۰۷
- فصل سوم: طاهر بن عبدا... ۱۲۵
- فصل چهارم: محمد بن طاهر ۱۲۹

بخش چهارم: سیاست کشور دارای طاهریان

- فصل اول: سیاست داخلی و دستگاه اداری طاهریان ۱۴۰
- امارت ۱۴۱

- ۱۴۵..... وزارت و دربار
- ۱۵۱..... قضاوت
- ۱۵۳..... سپاه
- ۱۵۵..... نظام اقتصادی طاهریان (کشاورزی، مالکیت، مالیات و خراج، تجارت، سکه)
- ۱۶۶..... آثار مربوط به طاهریان
- ۱۶۹..... سیاست مذهبی طاهریان
- ۱۷۵..... سیاست فرهنگی و ادبی طاهریان
- ۱۸۷..... مردم داری طاهریان
- ۱۹۱..... قلمرو طاهریان
- ۱۹۲..... پایتخت
- ۱۹۴..... فصل دوم: روابط طاهریان با دولتهای همسایه
- ۱۹۴..... روابط طاهریان با خلفا
- ۲۰۰..... روابط طاهریان با صفاریان
- ۲۰۴..... روابط طاهریان با علویان
- ۲۰۹..... روابط طاهریان با سامانیان

بخش پنجم: عوامل ضعف و انقراض طاهریان

- ۲۲۲..... ماخذ
- ۲۲۲..... الف: منابع
- ۲۲۹..... ب: تحقیقات
- ۲۳۵..... ج: مقالات

کامل فراهم نمود، از نظر پیش‌کسوتی وجهی متمایز بوده است.

دوم اینکه، در باره ادوار مختلف ایران، کم و بیش محققین ایرانی و خارجی به پژوهش پرداخته‌اند ولی تا کنون کتاب و نوشته مدون، جداگانه‌ای در باره این سلسله مهم ایرانی تحریر نشده‌گرچه مقالاتی از نویسندگان و محققان در کتب مختلف، مجلات، دایرة‌المعارف‌ها به رشته تحریر درآمده و استاد سعید نفیسی نیز کتابی بنام خاندان طاهری، نگاشته، لیکن کتاب مذکور فقط در باره طاهربن حسین بوده و بسیاری از مطالب تکراری، و در مورد یک موضوع تمام روایات دست اول و دوم را آورده و برخی از ارجاعات چندین صفحه را شامل می‌شود، با این وجود یکی از تحقیقات مفید و مستقل در باره طاهر محسوب می‌گردد و در ارائه منابع تلاش فراوانی نموده. سوم اینکه، خراسان بزرگ منطقه حکومتی طاهریان در تاریخ ایران مقامی بس والا و پایگاه ارجمندی را داراست و امروزه بخشهایی از ایران و کشورهای آسیای میانه و افغانستان را در بر می‌گیرد که پی بردن به وجود تاریخی، ملی، سیاسی فرهنگی و نژادی این ناحیه بزرگ علاوه بر اینکه زوایای پنهان تاریخ ایران را روشن می‌سازد و در گسترش روابط و پیوند هر دوستی میان ملتها مفید و مؤثر است.

چهارم اینکه، اغلب مورخین اسلامی از همان قرن سوم به بعد، به علت نزدیکی طاهریان به عباسیان از آنان بعنوان یک حکومت یاد نکردند و بسیار مختصر و موجز در باره آنها سخن گفتند و در باره اقدام طاهر و جانشینانش قضاوت درستی نکرده‌اند و یک طرفه به محکمه رفتند. در تهیه مطالب این پایان‌نامه، تا حد امکان تمام منابع و تحقیقات که بنحوی به موضوع مربوط می‌شود مورد مطالعه قرار گرفته و تا جایی که امکان داشته از مدارک اصلی و دست اول استفاده شده و سعی شده از منابعی بهره گرفته شود که به زمان موضوع نزدیکتر و مورخ از اعتبار علمی برخوردار باشد. و تلاش شده که موثق‌ترین و عینی‌ترین روایات در تهیه مطالب مورد استفاده قرار گیرد، و برای دستیابی به منابع تا حد توان به کتابخانه‌های معتبر مراجعه شده که برخی کتب منحصر بفرد را مورد شناسایی و استفاده قرار گرفته که از جمله آنها: «تاریخ بغداد ابن طینور» می‌باشد که در کتابخانه فیضیه قم یافته و نسخه عکسبرداری آن تقدیم استاد محترم جناب آقای

نبئی شد و ایشان هم دو نسخه از آنرا در اختیار کتابخانه دانشکده ادبیات قرار دادند. پراکندگی مطالب و متناقض بودن برخی از روایات با همدیگر، نارسایی و تکراری بودن و همچنین گسترده بودن موضوع از مهمترین مشکلات در جهت تهیه مطالب این پایان‌نامه بود که قریب به یکسال پژوهش و تحقیق توانستم بر این مشکلات تا حدی فائق آمده و با رجوع به منابع مختلف و تطبیق آنها، صحیح‌ترین و موثوق‌ترین را انتخاب نموده و سپس ذکر نمایم، و گسترده بودن موضوع مشکل مهمی در انجام این تحقیق بود که از فتح ایران توسط مسلمین تا سقوط طاهریان را شامل می‌شد که بخصوص در فصول اول و دوم، بخش یکم سعی شده به گزیده نویسی و خوشه‌چینی مطالب اکتفا گردد، گرچه مطالب جمع‌آوری شده در این مورد خود در حد یک پایان‌نامه می‌باشد و در بخش‌های بعدی سعی گردید اکثر و اصح روایات آورده شود و از ذکر آنچه که نمی‌توانست کاملاً مربوط به موضوع باشد خودداری گردد.

این پژوهش شامل پنج بخش و فهرست مآخذ می‌باشد که بخش اول، در سه فصل که در فصل اول، به اداره امور خراسان بعد از تسلط اعراب پرداخته شده و اسامی و سیاستهای حکامی که از طرف خلفای اموی و عباسی برای خراسان منصوب می‌شدند ذکر گردید و در فصل دوم، به خاندانهای ایرانی که با اعراب همکاری کردند و به هدف آنان از این همکاری پرداخته شده و بطور مختصر در مورد نتایج نفوذ ایرانیان در دستگاه اداری عباسیان و به زندگی خاندانهای بزرگ ایرانی اشاره شده و در فصل سوم در مورد اصل و نسب طاهریان و پیشینه این خاندان تحقیق صورت گرفته و در باره اجداد و خانواده طاهر مطالبی ذکر گردید.

بخش دوم که در مورد طاهربن حسین می‌باشد شامل چهار فصل بوده که در فصل اول به پیشینه طاهر و در فصل دوم به نقش طاهر در جنگ امین و مأمون و قتل امین توسط طاهر و نقش مأمون در قتل برادرش، و نقش طاهر از آوردن امام رضا(ع) از مدینه به خراسان و همچنین علت ملقب شدنش به ذوالیمینین مطالبی ذکر شده. و در فصل سوم که مربوط به امارت طاهر در خراسان می‌باشد در مورد علت انتصاب طاهر به امارت خراسان و نوع امارت طاهر، اقدامات طاهر در مدت امارتش، علل استقلال طاهر و همچنین مرگ او و نقش مأمون در بقتل رساندن

طاهر اشاره گردیده است و در فصل چهارم به مشی سیاسی طاهر پرداخته شده است، و نامه او به پسرش عبدا...، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته.

بخش سوم این پژوهش در مورد جانشینان طاهر در چهار فصل می باشد که در فصل اول به علت ابقای طاهریان و اقدامات طلحه اشاره شده و در فصل دوم در مورد اقدامات و سیاست کشورداری عبدا... بن طاهر بطور مفصل بحث بعمل آمده و در فصل سوم در مورد طاهربن عبدا... و حوادث مهم زمان او و در فصل چهارم در مورد محمد بن طاهر، علل حمله یعقوب به خراسان، وضعیت سیستان و نقش خلیفه عباسی در سقوط طاهریان و همچنین در مورد بازماندگان طاهریان مطالبی عنوان شده است.

بخش چهارم، به سیاست کشورداری طاهریان در دو فصل پرداخته که فصل اول در مورد سیاست داخلی و دستگاه اداری طاهریان شامل مباحثی در مورد: امارت، وزارت و دربار، قضاوت، سپاه، نظام اقتصادی طاهریان، آثار تاریخی مربوط به طاهریان، سیاستهای مذهبی، فرهنگی و ادبی و مردم داری و قلمرو طاهریان، آورده شده و در فصل دوم به مناسبات طاهریان با خلفا و حکومتهای همعصر و دسایس خلفا و رفتار بوقلمون صفتی آنان که از طاهریان بعنوان حربه ای در مقابل مخالفان استفاده می کردند و نیز به مناسبات طاهریان با صفاریان، علویان، سامانیان پرداخته شد.

بخش پنجم به علل ضعف و انقراض طاهریان پرداخته شد، که در بررسی علل سقوط یک علت واحد مطرح نشده است بلکه علل متعددی که زمینه ساز سقوط شده در کنار عامل نهائی توضیح داده شده است.

چنانچه ذکر شد، تنها تحقیق مستقلی که در مورد موضوع صورت گرفته، کار سعید نفیسی است که فقط در مورد مؤسس این سلسله می باشد و در سال ۱۳۳۵ ه.ش انتشار یافته و با شیوه امروزی کار تحقیقی تفاوت بسیاری دارد و تکراری بودن روایات تاریخی، آوردن یک روایات از چند منابع مختلف با تمام جزئیات، عدم ارجاعات مناسب و علمی از یک طرف موجب شد حجم کار، بالا برود و از طرف دیگر بسیار ناقص و غیر قابل استفاده شود. محققان دیگر در سلسله

مباحث تاریخ ایران ذکری از طاهریان کردند که بسیار خلاصه می باشد.

حقیق مزبور از شیوه و اسلوب جدیدی پیروی نموده و سعی شده بیشتر مطالب بصورت دسته بندی آورده شود تا اولاً، بهتر و راحتتر به مطلب مورد نیاز می توان دسترسی یافت و ثانیاً به درک بهتر مطالب نیز کمک می کند. بعنوان نمونه، علل انتصاب طاهر به امارت خراسان، علل شورش و اعلان استقلال طاهر و علل ابقای طاهریان مطالبی ذکر گردیده که در دیگر منابع بدین صورت یافت نمی شود. و همچنین به نکات تاریکی چون مرگ طاهر، اقدامات طاهر و مشی سیاسی او، مذهب و سیاست مذهبی و ادبی طاهریان اشاره شده که با کنکاش در میان منابع و تحقیقات تا حد زیادی بسیاری از ناگفته ها ذکر شده است.

در پایان اولاً: از زحمات تمام اساتید محترم گروه تاریخ دانشکده ادبیات که افتخار شاگردیشان را دارم تشکر را دارم و ثانیاً بطور خاص از استاد فرزانه حکیم جناب آقای **دکتر ابوالفضل نبئی** که با هدایت و راهنمایی مستمر و بی وقفه خود، چراغ هدایتگرمان بودند و از مساعدت و دلسوزی استاد سخت کوش و ارجمند جناب آقای **دکتر حسین الهی** که استاد مشاورم بود که با روئی گشاده و برخوردی بسیار صمیمی، ارشادات لازمه را مبذول فرمودند مراتب سپاس و امتنان خود را اعلام و توفیق روزافزون همراه با صحت و سلامت و عافیتشان را از درگاه احدیت خواهان و خواستارم و ثانیاً از مسئولین و کتابداران محترم کتابخانه های دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی مشهد، آستان قدس رضوی، حضرت آیه... مرعشی نجفی قم، حضرت آیه... گلپایگانی قم، مدرسه فیضیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان و قم، دانشکده الهیات شهید مطهری مشهد، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مسئولین بخش محلات دانشکده ادبیات مشهد و دیگر مراکز علمی و اساتید و دوستان که بنحوی در ارائه مطالب ما را یاری فرمودند، قدردانی می نمایم.

مشهد مقدس

سید حسن قریشی

مقدمه

خراسان از بزرگترین ایالات شرقی ایران که از نظر سیاسی، طبیعی و اقتصادی اهمیت ویژه‌ای را دارا بوده و تنها گذرگاه بین شرق و غرب محسوب می‌گشت، بعلت حاصلخیزی، همیشه در طول تاریخ در کوران حوادث سیاسی قرار داشت و نیز ورود اقوام مختلف، مردم خراسان را بجهت حفاظت از خود ناگزیر به تقویت قوای نظامی کرده بود که این امر آنها را مردانی قهرمان و شجاع بار آورده بود، و از این نظر برای کشورگشایان و طالبان قدرت حائز اهمیت بود.

با ورود اسلام، مردم ایران بویژه خراسانیان از اسلام استقبال شایانی نمودند ولی حاکمیت یکصدساله خاندان درنده‌خو و شهوت پرست اموی، موجب رنجش مردم این ناحیه از آنان گشته و جنبشهای گوناگونی را براه انداختند و یا به مخالفین اموی مدد رساندند. در این زمان که عباسیان با شعار حمایت از خاندان پیامبر اکرم (ص) به تبلیغ پرداخته بودند آنان از نیروی متحد خراسانیان در هنگام ضعف و سستی امویان بهره جستند چون خراسانیان زورمند و خواهان پشتیبانی از افراد خاندان پیامبر اکرم (ص) و گرفتار تعصب قبیله‌ای نبودند.

عباسیان بکمک خراسانیان که لشکریانشان ستون فقرات سپاه عباسی و پشتیبانان خلافت عباسی را تشکیل می‌دادند توانستند امویان را منقرض و خودشان زمام امور را بر دست گیرند که ابومسلم در قدرت یابی عباسیان نقش مؤثری داشت که با قتل ابومسلم، خراسانیان دریافتند که دودمانی که با یاری ایشان بر مسند قدرت دست یافتند چندان دلبستگی به آرمانهای آنها ندارد و این امر پیکار سیاسی را در خراسان دامن زد و موجب شورشهایی شد که از جمله شورش «عبدالجبار ازدی» و «راوندیه» و یوسف البرم و ... بود که هراسی در دل عباسیان ایجاد نمود.

با بخلافت رسیدن هارون الرشید، ایرانیان که از جمله آنان خاندان برمکی بود قدرت بلامنازع یافتند و قدرت خلیفه بصورت تشریفاتی درآمد خاندان برمک در حقیقت دستگاه خلافت بغداد را که همان بساط پادشاهی ساسانیان بود که از تیسفون به بغداد برده بودند و بجای فرزندان اردشیر فرزندان عباس را بر همان تخت نشانده بودند، اداره می‌کردند با این وجود خلیفه گاهی به عرق عربی خویش باز می‌گشت و ناسپاسی و

خدعه در پیش می‌گرفت و کفران نعمت پیشه می‌کرد و ولی نعمتان خود را قلع و قمع می‌نمود که برمکیان نیز به این بلیه گرفتار شده و پس از آنها خراسان به علی بن عیسی واگذار شد. حکومت علی بن عیسی به مدت ده سال که نمونه کهنی از ستمگری و فساد و بی‌تدبیری در برابر خاندان سهل بخصوص فضل که نمونه یک عامل کامل بود موجب رنجش مردم گردید و از هارون خواستار عزل او را شدند.

بعد از قتل برمکیان و روی کار آمدن علی بن عیسی در خراسان قیام و شورشهایی روی داد که از جمله آنها شورش ابوالخصیب، رافع بن لیث بود که قیام رافع بعد از عزل علی بن عیسی سرکوب شد و خوارج از طرف جنوب، خراسان را مورد حملات خود قرار می‌دادند و این امر موجب شد هارون جهت سرکوبی شورش آنها، همراه مأمون به خراسان بیاید که در این سفر هارون درگذشت و اختلاف بین دو فرزندش مشتعل گشت و امین بعد از بقدرت رسیدن، برادرش مأمون را از ولایتعهدی خلع و پسرش موسی را جانشین او کرد.

خراسانیان که در روی کار آمدن هارون به ولایتعهدی دخالتی تام داشتند به مأمون به علت ایرانی بودن مادرش، و حمایت او از توده مردم خراسان که از جمله آن کاهش خراج و مالیات و توجه به امور قضائی و نیز اعطای امتیاز به سران بومی و اشرافیت ایرانی بود، مدد رساندند و با او بعنوان خلیفه بیعت نمودند و همچنین مأمون با انداختن نام برادرش امین از سکه‌های خویش ارتباط میان خراسان و عراق را عملاً قطع کرد و طاهربن حسین را مأمور دفع سپاه امین به فرماندهی علی بن عیسی نمود که طاهر طی نبردهایی سپاه امین را شکست داد و بغداد را فتح نمود و سر امین را نزد برادرش، مأمون فرستاد که با مرگ امین، نخستین بار، یک خلیفه عباسی خوار شد و بار دیگر ایرانیان به قدرت خود پی بردند و سعی کردند زودتر از سایر اقوام در قلمرو عباسی مستقل شوند که ابتدا بصورت استاندار، سپس امیر و بعد پادشاه به استقلال دست یافتند. مأمون بعد از قدرت یابی، جهت فرونشاندن قیام علویان، امام رضا(ع) را به مرو آورد وقتی با شورش مردم بغداد مواجه گشت با خدعه و نیرنگ ابتدا فضل بن سهل را در حمام سرخس به قتل رساند و امام را نیز با انگور زهرآلود به شهادت رساند و خود روانه بغداد شد و خراسان را به غسان بن عباد واگذار کرد که در این زمان در خراسان شورشهایی پدید آمد که مأمون بر آن شد در سال ۲۰۵ هـ طاهربن حسین را عامل خراسان نماید. که طاهر بعد از مدتی در خراسان نام خلیفه را از خطبه نماز جمعه انداخت و عملاً اعلان استقلال نمود که این استقلال، نتیجه یک سده پیکار پیگیر با تازیان بود.

بخش اول

اوضاع خراسان در دو قرن اول هجری

فصل اول :

اداره امور خراسان بعد از تسلط اعراب

خراسان بزرگترین منطقه شرق ایران در عهد ساسانی و دوران اسلامی را شامل می شد که در تاریخ دارای مقامی بس بلند و جایگاهی ارجمند داشت و خراسانیان قرن‌ها کارگردانان اصلی تاریخ سیاسی و مدنیت اسلامی بودند.

ابن رسته اصفهانی در کتاب اعلاق النفسیه و ابن خردادبه در مسالک الممالک سرزمین ایران را از نظر تقسیمات سیاسی و بخشهای طبیعی به هشت اقلیم تقسیم می نمایند و خراسان در میان استانهای هشتگانه از همه بزرگتر و پرجمعیتتر و آبادتر بوده است. و وسعتی عظیم داشته است. طبق نظر ابن رسته: «در آن قسمتی که مابین نقطه اوج خورشید در طویل ترین روز سال تا نقطه اوج خورشید در کوتاهترین روز سال قرار دارد خراسان نامیده می شود»^(۱) و ابن خرداد به می نویسد: «در کل خراسان چهار مرزمان وجود داشته که شامل مروالشاهجان، بلخ و طخارستان، هرات و بوشنج و بادغیس و سیستان، ماوراءالنهر بود»^(۲)

لسترنج می نویسد: خراسان در اوایل قرون اسلامی بطور کلی بر تمام ایالات اسلامی که در سمت خاور کویر لوت تا کوههای هند واقع بودند اطلاق می گردید.^(۳) و اغراق نباشد که بگوئیم

۱- ابن رسته، احمد بن عمر: الاعلاق النفسیه، ترجمه، حسین قره جانلو، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۶، ص ۱۱۹
 ۲- ابن خرداد به، ابی القاسیم عبیدالله بن عبدالله: المسالک و الممالک، ترجمه، حسین قره جانلو، مترجم (پخش از نشر نو) تهران ۱۳۷۰، ص ۱۷
 ۳- لسترنج، گی، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه، محمد عرفان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۳۷، ص ۴۰۸

اگر ایران بزرگ را بدو بخش متمایز شرقی و غربی تقسیم کردند و خراسان عبارت از تمامی ایران شرقی استغفا چون خراسان در شرق ایران واقع شد در لغت فرس خورشید را خور نامند بنابراین نواحی که در مشرق واقع شده خراسان نام نهادند.»^(۴)

با فروپاشی دولت ساسانی و آواره شدن یزدگرد سوم در ایالات شرقی ایران، حملات اعراب با اهداف گسترش حوزه جغرافیائی اسلام، دستیابی به غنائم و منافع اقتصادی، به شرق شدت یافت که نابسامانی وضع سیاسی، اجتماعی و مذهبی ایران عهد ساسانی به این امر کمک شایانی نمود و عملاً مردم ایران شیفته برابری و عدالتخواهی اسلامی شده و از اعراب مسلمان استقبال نمودند و اسلام را با دل و جان پذیرا شدند.

اولین لشکرکشی مسلمین به خراسان در زمان عمر بن خطاب صورت گرفت، وقتی که مسلمانان در نبرد قادسیه و نهاوند سپاه ساسانی را شکست دادند یزدگرد سوم بعد از شکست از مدائن به حلوان و سپس به اصفهان و از آنجا به اصطخر فرار کرد و از اصطخر به کرمان گریخت و از کرمان به سجستان و سپس روانه خراسان شد و یعقوبی می نویسد: «یزدگرد رهسپار مرو گردید و هزار افسر از افسران و هزار قهرمان هزار نوازنده به همراه داشت»^(۵) وقتی یزدگرد به مرورود رسید «از مرورود به خاقان و شاه سغدنامه نوشت و از آنها کمک خواست»^(۶) هر چه نیروی کمکی رسید ولی نتوانستند کاری از پیش ببرند و ایرانیان باز هم شکست خوردند^(۷). و یزدگرد بعد از

۴- شیروانی، حاجی زین العابدین: ریاض السیاحه، تصحیح، اصغر حامد «ربانی»، کتابفروش سعدی، تهران، ۱۳۳۹ ص ۱۴۵

۵- یعقوبی، احمد بن اسحاق (ابن واضح): تاریخ یعقوبی، ترجمه، محمد ابراهیم آینی، علمی فرهنگی، تهران ۱۳۷۱، چاپ ششم، ج ۲، ص ۳۸

۶- طبری، محمد بن جریر: تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک) ترجمه، ابولقاسم پابنده، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲، ج ۵، ص ۱۹۹۸

۷- اشیولر، برتولد: تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه، جواد فلاطوری، علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۶۹، چاپ سوم، ج ۱، ص ۲۷